



## ژورنالیسم در زبان فارسی و سیر تطوّر آن

ژورنالیسم پدیده‌ای است که با ظهور بورژوازی در صحنهٔ سیاسی اروپا به ویژه در فرانسه رخ نمود و، در ایران، شاید بتوان گفت با فکر و نهضت اتحاد اسلام و فعالیت‌های تبلیغی سیدجمال‌الدین اسدآبادی و پیروان او همچون محمد عبده (۱۲۶۶-۱۳۲۳ق) سپس با جنبش مشروطه پا گرفت. نمونه‌های آن را، در آغاز، بیشتر در مطبوعات بیرون از مرزهای کشور، در هند و قلمرو عثمانی و لندن، از جمله در *جبل‌المین* و *ثریا* و اختر و قانون می‌توان سراغ گرفت.

ژورنالیسم با آنچه در روزنامه‌ها و نشریات ادواری مندرج است مطابقت ندارد. همه نوشته‌هایی که در این نشریات جا گرفته ژورنالیستی نیستند. در عهد ناصرالدین شاه و حتی مظفرالدین شاه، به اصطلاح روزنامه‌هایی دولتی منتشر شده که مطالب آنها اصولاً ژورنالیستی نیست. هم‌اکنون، در جراید کشور ما، می‌توان گفت حجم غالب نوشته‌ها ژورنالیستی نیست. در عوض، نوشته‌هایی بیرون از نشریات ادواری، در مقدمه یا در متن کتاب‌ها، می‌توان سراغ گرفت که نمونه‌های درخشان در مایهٔ ژورنالیسم‌اند. مصادیق بارز آن است مندرجات غالب آثار دشتی؛ مقدمهٔ عباس اقبال آشتیانی بر کلیات عید زاکانی و شرحی به قلم او در جواب نقد استاد بدیع‌الزمان فروزانفر بر حواشی علامه قزوینی بر چهارمقالهٔ نظامی عروضی، مقدمه‌های فروغی بر شاهنامه و کلیات سعدی، و غالب نوشته‌های باستانی پاریزی. بسیاری از سخنرانی‌ها به‌ویژه در مجلس شورا نیز، به مقتضای نقش آنها، رنگ و خصلت ژورنالیستی دارد.

بدین قرار، ژورنالیسم را باید شیوه‌ای در سخن در نظر گرفت در هر رسانه‌ای که نمودار گردد عمّ از مطبوعات، سخنرانی‌ها، رسانه‌های شنیداری و دیداری، حتّی کتاب‌ها. به همین دلیل، ترجیح دادیم که معادلی برای آن اختیار نکنیم. اصولاً معادل برای نام‌ها و عناوین پدیده‌های نوظهوری از این دست، علاوه بر آنکه عموماً نارسا از کار در می‌آید، موجب سوء تفاهم است. مثلاً «ناتورالیسم» را، اگر به «طبیعت‌گرایی» برگردانیم، نارسا که جای خود دارد، نادرست و فریبنده است؛ چون ممیّزه ناتورالیسم، در اساس، آزمایش وارد کردن شیوه علمی و آزمایشگاهی در ادبیات است. این مکتب به تأثیر طبّ تجربی کلود برنار (۱۸۱۳-۱۸۷۸) و نقد ادبی هیپولیت تین (۱۸۲۸-۱۸۹۳) در ادبیات فرانسه بنیان گذاشته شد.

باری، ژورنالیسم، چنان‌که اشاره شد نوعی شیوه قلم است و مخاطبانش عامّه شهروندان‌اند. اما هر شیوه‌ای در نویسندگی با زبانی دارای خصال معین مصداق می‌یابد. زبان ژورنالیستی نیز خصایصی دارد که نقش همه آنها جلب قشرهایی از جامعه و انگیزش آنها و پاسخ‌گویی به حس کنجکاوی و نوجوئی آنهاست. لذا، در ژورنالیسم، همه مواد - خبر، گزارش خبری (رپورتاژ)، تفسیر سیاسی، بیان موضع سیاسی، مصاحبه، نقد و بررسی آثار، گزارش جریان‌های اجتماعی، تفسیر سینمایی و تئاتری و ورزشی، تفسیر موسیقی، روایت حوادث فرهنگی، مسائل خانوادگی، برنامه‌های بهداشتی و نظایر آنها - باید تازه و امروزی و خالی از عادیات و متعارفات *lieux communs* باشد. هیچ چیز در آن نباید رنگ و بوی کهنگی داشته باشد. اگر از گذشته و گذشتگان سخن می‌رود، موضوع آن باید تازه نشر یافته باشد و مطالب آن باید تازگی داشته باشد. ژورنالیسم با مواد کهنه و بیات میانه ندارد، با تازه از تنور در آمده‌ها - رویدادهای نو، کتاب‌های نو، آراء نو، افکار نو، نظرگاه‌های نو - سروکار دارد. از آثار و اثرآفرینان گذشته نیز زمانی یاد می‌کند که درباره آنها سخنی نو به میان آمده باشد.

زبان ژورنالیستی نیز زبانی دیگر است. زبانی است بی تکلف، پرتحرک و پویا و زنده، سیال، برخوردار از تنوع، زلال و روشن و خوشگوار، دارای حلاوت و شیرینی، هم هیجان‌انگیز هم آرامبخش - خلاصه آسان‌یاب و جاذب و لذیذ. هریک از این خصایص بافتی از فنون نویسندگی حاصل می‌شود. سادگی و پرهیز از تکلف با واژگان و تعبیرات مأنوس و دوری جستن از کاربردهای مهجور منجمله سره‌گرایی و فضل‌فروشی با کاربرد

تعبیرات عربی یا فرنگی غریب و اصطلاحات زیادۀ تخصصی؛ پویائی و سرزندگی و تنوع با اختیار جمله‌های کوتاه و بلند و وجوه متعدّد اخباری و استفهامی و انشائی و تعجّبی همچنین جمله‌های اسنادی و فعلی و اسمی و چرخش‌های کلامی و وام‌گیری از زبان مردم و بوم‌گویی‌ها؛ صفا و خوشگواری با پرهیز از بیان پیچیده و غامض؛ حلاوت و شیرینی با چاشنی تمثیل و مثل‌سایر و امثال و حکم؛ نوبه به نوبه هیجان‌انگیزی، با افزایش شتاب و تیز کردن ریتم (نواخت و ضرباهنگ) از راه کاربرد اجزای به هم پیوسته در گروه‌های اسمی و صفی و قیدی و فعلی و جمله‌های اسمی؛ و آرامبخشی، با کُند کردن ریتم از راه کاربرد جمله‌های اسنادی و مرکّب موصولی. البتّه، از همه این فنون، به مقتضای موقع و مقام و نیت نویسنده و نوع نوشته، با خلاقیت و مهارت و چه بسا به صرافت طبع و بدون قید و محدودیت در چنبر قواعد پیش ساخته، استفاده می‌شود.

تاکنون نه درباره این نوع ادبی دارای جمعیت چند میلیونی خواننده و تأثیر و نفوذ بی‌مانند آن پژوهش شایسته‌ای شده و نه قلم‌هایی که در عرصه ژورنالیستی آثار زبده‌ای پدید آورده‌اند شناسانده شده‌اند. در تاریخ ادبیات‌های زبان فارسی در این باره یا سخنی نیست و یا طرداً للباب از آن سخن رفته است. آنچه درباره مطبوعات پدید آمده تنها حاوی اطلاعاتی صوری است که نمونه شاخص آن تاریخ جرائد و مجلات ایران، تألیف محمدصدر هاشمی، و تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر فارسی‌نویسان، اثر ناصرالدین پروین است و آن از نوع اثرشناسی توصیفی است که متعزّض محتوای قلمی نمی‌شود. درازصبا تایما و ازینما تا روزگار ما اثر شادروان یحیی آربین‌پور نیز، هرچند فصل‌هایی به مطبوعات اختصاص داده شده، از ژورنال‌یسم و قلم‌های ژورنالیستی سخن دندان‌گیری نیست. درگزیده‌های نثر معاصر، جسسته‌گریخته تنها نمونه‌هایی از نوشته‌های ژورنالیستی از جمله چرندپرند دهخدا درج شده بی‌آنکه از خصایص آن و سابقه و لاحقۀ آن گفت‌وگو شده باشد. در حالی که زبان فارسی معاصر دوره‌های درخشانی از رونق ژورنال‌یسم را از سرگذرانده و ظهور آثار پرارزشی در این نوع را شاهد بوده است. در نهضت مشروطه و دوره پس از آن همچنین دوره چندین ساله پس از شهریور ۱۳۲۰ و در دوران نهضت و حکومت مصدّق، ژورنال‌یسم در انواع گوناگون آن درخشش کم‌نظیری داشته و ادب معاصر در این برهه‌های تاریخی با ظهور استعداد‌های شگرفی مقارن بوده است.

باری، در تاریخ‌نگاری ادب معاصر، از این حیث خلاً محسوسی وجود دارد که شایسته است به پرکردن آن اهتمام وافى شود. گروه ادب معاصر فرهنگستان اقدام برای گشودن راه در این عرصه را وظیفه خطیر خود شمرده و، طی سال ۱۳۹۳، در تدارک و اجرای طرح «ژورنال‌لیسم در زبان فارسی و سیر تطوّر آن» گام‌های نسبتاً بلندی برداشته است. هم‌اکنون، به همت همکارگرمی، آقای جعفر شجاع کیهانی و تشریک مساعی بانو عذرا شجاع کریمی، پژوهشگر گروه ادب معاصر و بانو ویدا بزرگ‌چمی، مسئول نشریات کتابخانه فرهنگستان، بانک اطلاعاتی نسبتاً وسیع و فراگیری در گروه ادب معاصر پدید آمده که، در آن، شماره‌های حدود صد نشریه ادواری به صورت مکتوب یا دیجیتال ذخیره شده است. در میان آنها، جراید بسیاری جا گرفته‌اند که در دسترس نیستند و پژوهشگران، اگر هم از آنها اسمی شنیده باشند، با رسم آنها آشنا نشده‌اند. البته هنوز خلاهای حساسی در این گنجینه وجود دارد که باید پر شود از جمله نشریات ادواری احزاب مخالف دولت‌های وقت در دوران قانونی و به خصوص غیر قانونی یا نیمه‌قانونی که چه بسا در کتابخانه ملی و مرکز اسناد نیز همه آنها محفوظ نباشد و از قضا آثاری را که از قلم‌های زبده تراوش کرده در آنها بیشتر می‌توان یافت.

با پشتوانه این بانک اطلاعاتی، کارهای پژوهشی به سرپرستی همکارگرمی، آقای حسن میرعابدینی، برای بررسی مواد براساس طرح جامع آغاز خواهد شد. در گام اول، معرفى صاحب‌قلمان و نمونه‌هایی از آثار قلمی آنان در دستور کار قرار خواهد گرفت. محصول آن جزوه‌هایی نمودار جریان تحوّل و رشد ژورنال‌لیسم در زبان فارسی خواهد بود. در گام بعدی، سیر تاریخی این تحوّل در انواع و دوره‌های متعدّد آثار ژورنالیستی بررسی و فرآورده آن به صورت تاریخ مدوّن جامع ژورنال‌لیسم در زبان ملی ما به جامعه ادبی ما عرضه خواهد شد.

طرح یادشده، به خلاف آنچه تاکنون درباره جراید و نشریات ادواری پدیده آمده، چنان‌که یاد شد، نه به جنبه‌های صوری مطبوعات بلکه مستقیماً به قلم‌ها و تحلیل خصایص آنها و معرفى صاحب‌قلمان ناظر است. بسیاری از این صاحب‌قلمان، که در زمان خود سرشناس بوده‌اند، اکنون در نزد نسل جوان و هم بیشتر فرهیختگان نسل‌های سالمند حتّى به اسم شناخته نیستند.

در جمع ژورنالیست‌ها، نویسندگانی را سراغ داریم که، در دوره‌ای، به یمن قلم پرجاذبه خود علم شده‌اند و بازارشان گرم و پررونق بوده است. قاطبه خوانندگان به هوای خواندن آثار آنان بود که نشریه حاوی نوشته‌های آنان را می‌خریدند، تشنه آن نوشته‌ها و بی‌تاب خواندن آنها بودند. برای این قلم، عموماً در صفحه اول جریده، جا و ستون خاصی تخصیص داده می‌شد. آشهر آنان دهخدا بود که صوراسرافیل را بیشتر خوانندگان به هوای آن می‌خریدند. در دوره‌های متأخر بر آن، پوروالی (بامشاد) در ایران ما؛ گنج‌ای در باباشمل؛ محمود عنایت در «رپرت»، سرمقاله ماهنامه نگین؛ و، در سال‌های پس از انقلاب، کیومرث صابری (در گل آقا) در این طراز بودند.

نویسندگان متعدّد دیگری در حوزه‌های متنوع ژورنالیسم برای کسانی که دوران رونق این نوع ادبی را در ایران شاهد بوده‌اند نام‌آشنایند. اینان از دو دسته‌اند: یکی نویسندگان وابسته به احزاب و جریان‌های سیاسی که سخنگوی حزب خود یا متأثر از موضع‌گیری‌های آنان بوده‌اند و نوشته‌های آنان در ارگان آن حزب یا نشریه‌ای که، از پس پرده، زیر نفوذ رهبری حزب بود منتشر می‌شد. دیگر، نویسندگان مستقل یا نیمه‌مستقل که، در بیان افکار، نسبتاً آزادتر بودند.

کسانی هم سراغ داریم که سابقه عضویت یا وابستگی حزبی داشتند و در برهه‌ای منشعب شدند یا از آن بُریدند و به ژورنالیست‌های نسبتاً مستقل بدل گشتند.

در رسانه رادیویی نیز، نویسندگان و مجریان برنامه‌های پُرشنونده‌ای همچون حسن شهباز، (نویسنده متن برنامه رادیویی «با آثار جاویدان ادبیات جهان آشنا شوید» که طی مدت بیست و چهار سال اجرا می‌شد)؛ هوشنگ مستوفی، نویسنده متن برنامه «داستان‌های شب» و «پنج و سه دقیقه» که پیمان و فروزنده اربابی آن را اجرا می‌کردند؛ صبحی مهتدی، مجری برنامه قصه برای کودکان؛ سید ابوالقاسم انجوی شیرازی، با نام رادیویی «نجوا»، مجری برنامه هفتگی فرهنگ عامه در رادیو ایران مصادیق شاخص و درخور توجه ژورنالیسم به شمار می‌روند.

از ژورنالیست‌های سرشناس دوران پس از انقلاب اسلامی، علاوه بر کیومرث صابری سردبیر نشریه مصوّر معروف گل آقا، پرویز خرسند، نخستین سردبیر هفته‌نامه سروش پس از انقلاب اسلامی؛ و جلال رفیع، نویسنده و طنزپرداز را که ابتدا در کیهان و سپس در اطلاعات می‌نوشت می‌توان نام برد.

شمار صاحب‌نامان در این وادی بسی بیش از اینهاست که هریک در رشته‌ای از رشته‌های متعدّد ژورنالیستی تخصص داشتند.

برخی از سخنرانی‌های نمایندگان مجلس شورا یا سخنرانی‌های در مجامع سیاسی را نیز، چنانکه اشاره شد در مایه ژورنالیستی می‌توان قلمداد کرد که در نشریه مذاکرات مجلس و مطبوعات مندرج و منعکس است و، در سخن از ژورنالیسم، باید جای شاخصی به آنها مخصوص داشت.

باری، اجرای طرح «ژورنالیسم در زبان فارسی و سیر تطوّر آن» - با گستره زمانی حدود دو قرن و دامنه و قلمرو پروسعت و موادّ بس متنوع آن - آسان نیست و، علاوه بر مساعدت مدیریت فرهنگستان زبان و ادب فارسی و همکاری صمیمانه مرکز و سازمان‌های حافظ مدارک، به همت والای مجریان طرح نیاز دارد. در عوض، نتیجه و ثمره آن و سهم مؤثری که در پر کردن خلای بزرگ در تاریخ ادب معاصر خواهد داشت ارزش بذل توجه خاص به آن و صرف هزینه و نیرو (از پژوهشگران داخلی فرهنگستان و خارج از آن) در راه آن را دارد.

سر دبیر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی